

آسیب‌شناسی نگارش واژه‌نامه توصیفی سه‌زبانه تحلیل گفتمان

دکتر ژاله کهنمویی پور

استاد دانشگاه تهران،

تهران، ایران

jkahnmoi@ut.ac.ir

دکتر حمیدرضا شعیری

استاد گروه زبان فرانسه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

shairi@modares.ac.ir

دکتر اکبر عبداللهی ©

استادیار دانشگاه تهران،

تهران، ایران

akbar.abdollahi@ut.ac.i

فرشته رحیمزاده

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی،

تهران، ایران

f_rahimzadeh@atu.ac.ir

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، آسیب‌شناسی، فرهنگ‌سه‌زبان، واژه‌نامه توصیفی.

پیشرفت و توسعه علوم مختلف همواره با پیدایش واژه‌های جدید و ورود آن‌ها به زبان همراه بوده است. اصطلاح «تحلیل گفتمان» از دهه ۱۹۶۰ در چارچوب دانش زبان‌شناسی پدید آمد. «تحلیل گفتمان» حیطه بسیاری وسیعی را در برمی‌گیرد که به گفته شارودو^۱ و منگنو^۲ «در چهارراه رشته‌های بس گوناگون همچون جامعه‌شناسی، روانشناسی، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی متون، تئوری استدلال، فن بیان و

^۱.Charaudeau

^۲. Maingueneau

به‌طور کلی همهٔ زمینه‌های علوم انسانی و اجتماعی قرار دارد» (۲۰۰۲:۶۶۶). به دلیل گستردگی و خاصیت بین‌رشته‌ای این حوزه، توصیف واژه‌های تخصصی آن به زبان فارسی نیازمند بازبینی و افزودن توضیحات تکمیلی است؛ چراکه آنچه موجب تفاهم در زمینه‌های آموزش و کاربرد اصطلاحات تخصصی یک علم می‌شود، همانا دقت، روشنی و یکدستی مجموعهٔ واژگان تخصصی آن علم است (طاهریان، ۱۳۷۹:۱). در این راستا، در میان انواع فرهنگ‌نگاری‌ها، تدوین واژه‌نامهٔ توصیفی بهترین گزینه است. واژه‌نامه‌های توصیفی علاوه بر صورت‌بندی پژوهش‌های پیشین نقش مؤثری در شکل‌گیری شاخه‌های جدید علوم دارند. در این مقاله از رهگذر تجربهٔ چندین سالهٔ تألیف و تدوین واژه‌نامهٔ توصیفی سه زبانه تحلیل کلام و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی خواهیم کوشید آسیب‌ها و چالش‌های تألیف واژه‌نامه‌های تخصصی به زبان فارسی به‌ویژه در حوزهٔ علوم انسانی از جمله اختلاف در برابری اصطلاحات تخصصی در علوم بین‌رشته‌ای و شیوه‌های یکنواخت‌سازی برگردان واژگان بین زبان‌های مختلف را دسته‌بندی و بررسی کنیم. می‌دانیم که آسیب‌ها و چالش‌های تخصصی که ویژهٔ ترجمهٔ لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های چندزبانه است، عبارت‌اند از «ناهمگونی فرهنگ لغت‌ها در ترجمه در ارادهٔ برابرنهادهٔ یکنواخت»، «اختلاف در برابری واژگان و اصطلاحات از زبان اصلی»، «ناهمگونی در برگردان واژگان و اصطلاحات بین زبان‌های مختلف» و «برابری و برگردان دقیق علائم اختصاری» (باغجری و همکاران، ۱۳۹۶:۱).

در تهیهٔ واژه‌نامه‌های توصیفی دوزبانه یا چندزبانه تعداد مدخل‌ها و میزان شرح و بسط مفاهیم نسبت به روش کشف یا پیشنهاد برابرنهادهای اهمیت کمتری دارد. در این دیدگاه هدف از تهیهٔ واژه‌نامه‌های توصیفی چندزبانه در وهلهٔ اول شناخت دقیق معنای تخصصی مفاهیم و در مرحلهٔ بعد شناخت موقعیت‌ها و بافت‌هایی است که یک مفهوم در معنای تخصصی خود در آن‌ها به کار می‌رود. نکتهٔ قابل‌تأمل در این فرایند تأکید بر حذف نشدن حوزه‌های شمول معناشناختی یک مفهوم در فرایند برابری آن در زبان مقصد است. در اینجا مسئلهٔ اصلی تعیین سنجه‌های ارزیابی کیفیت واژه‌نامه‌های توصیفی در حوزه‌های تخصصی به‌ویژه علوم انسانی و اجتماعی است. به نظر می‌رسد در مراحل نخست ارزیابی کیفیت این واژه‌نامه‌ها، سنجه‌های کمی نظیر جامعیت آن‌ها که اغلب از طریق مقایسهٔ تعداد سرواژه‌ها و میزان شرح و بسط هر مفهوم اگر نه به‌عنوان تنها سنجهٔ استفاده شده در ارزیابی بلکه حداقل به‌عنوان سنجهٔ غالب مطرح شود.

هدف از این مقاله طرح سنجه‌های کیفی نظیر انتخاب شیوهٔ نظام‌مند و اهمیت الزام به رعایت دقیق آن در طول فرایند نگارش واژه‌نامه‌های توصیفی است. با طرح این سؤال که چگونه می‌توان در طرح-ریزی و نگارش واژه‌نامه‌های توصیفی از سنجه‌های کیفی برای ارتقای کیفیت این واژه‌نامه‌ها بهره برد، فرضیه ما این خواهد بود که مهم‌ترین سنجهٔ کیفی در موفقیت و میزان استقبال از واژه‌نامه‌های توصیفی سنجهٔ پرهیز از استاندارد دوگانه یا چندگانه در برابری و شرح مفاهیم است. منظور از پرهیز از استاندارد دوگانه رعایت یکدستی شکلی و محتوایی مدخل‌ها و شفاف‌سازی فرایند برابری استفاده‌شده برای خوانندگان است. در آسیب‌شناسی نگارش واژه‌نامه‌های چندزبانهٔ توصیفی در حوزهٔ علوم انسانی و

اجتماعی توجه به دو نکته اهمیت فرض پیش گفته شده را بهتر تبیین می‌کند: نخست آنکه کارهای پژوهشی در اکثر موارد با بیش از یک مؤلف و توسط گروه مؤلفین انجام می‌شود؛ زیرا نگارش واژه‌نامه‌های توصیفی زمان‌بر است و به علت کارکردشان به‌عنوان کتاب مرجع نیازمند دقت زیاد در تدوین است که پس از انتشار در صورت موفقیت در پژوهش‌های گوناگون اعم از مقالات علمی-پژوهشی، کتاب‌های تخصصی، گزارش‌های تفصیلی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی به آن‌ها استناد می‌شود. با وجود مزایای قابل‌توجه کار گروهی نظیر امکان بازخوانی متن نهایی توسط چندین متخصص که تا حدود زیادی مشکل خطاهای فاحش در دریافت و انتقال معنای مفاهیم را کاهش می‌دهد و همچنین هم‌افزایی بین اعضای گروه که می‌تواند موجب به نتیجه رسیدن و اتمام طرح در زمان کوتاه‌تری شود، نگارش متن واژه‌نامه توصیفی توسط چند مؤلف که هر یک سبک متفاوت نگارش و نظرات کارشناسی متفاوت در حوزه تخصصی خود دارند، می‌تواند فرایند یکدست‌سازی را بسیار پیچیده و حتی ناممکن کند. نکته دوم که ناگفته برای تمامی فعالین در حوزه علوم انسانی و اجتماعی اعم از استادان، دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان تا حدود زیادی شفاف است، بحث چندمعنایی مفاهیم در این حوزه از علوم است. به بیان دیگر اشتراک لفظ بین نظریه‌پردازان و در نخله‌های مختلف فکری در حوزه علوم انسانی و اجتماعی کار نگارش فرهنگ‌های توصیفی را دشوار می‌کند. مسئله اصلی در اینجا پاسخ به این پرسش خواهد بود که چگونه می‌توان معانی مختلف یک مفهوم را بدون ورود به شرح‌های طولانی معنی‌ها و کاربردهای متفاوت آن نزد نظریه‌پردازان مختلف یا در جریان‌های مختلف فکری توضیح داد؛ چراکه گاهی توضیح هر یک از این مفاهیم به شکل مبسوط می‌تواند بدون اغراق موضوع یک کتاب جداگانه باشد. در این مقاله خواهیم کوشید گزارشی ارائه کنیم که نشان‌دهنده تجربه ما در نگارش واژه‌نامه توصیفی سه‌زبانه تحلیل کلام برای حل این موضوع با طرح پیشنهادهایی نظیر تألیف نظام‌مند، تأکید بر نگارش مدخل‌ها بر اساس کاربردهای مختلف مفاهیم در متون توسط نظریه‌پردازان با پرهیز از ورود به مباحث عمیق نظری، نگارش چندمرحله‌ای توسط مؤلفین و بازخوانی نظام‌مند نسخه‌های اولیه برای استفاده در تألیف واژه‌نامه‌های توصیفی دیگر در حوزه علوم انسانی و اجتماعی باشد.

References

منابع

۱. باغجری، کمال و همکاران (۱۳۹۶). واکاوی چالش‌های برابریابی در ترجمه فرهنگ‌های تخصصی چندزبانه بر اساس ترجمه فرهنگ سه‌زبانه معجم‌المصطلحات الاقتصادية و المالیه اثر دکتر مصطفی هنی، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷ شماره ۱۶: صص: ۶۰-۳۵.
۲. طاهریان، احمد (۱۳۷۹) ویژگی‌ها و نیازهای کاربران فرهنگ‌های تخصصی، میان‌رشته‌ای: مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی: ش ۹۲، صص: ۱۲-۲۵.
3. Charaudeau P. et Maingueneau D. (2002); *Dictionnaire d'Analyse du Discours*. Seuil.